

بایسته‌های حقوق اساسی مدیریت وضعیت‌های

اضطراری با تأکید بر کووید-۱۹^۱

(مقاله علمی - پژوهشی)

مسلم آقایی طوق *

چکیده

با آنکه قوانین و مقررات در همه نظام‌های حقوقی به طور معمول برای وضعیت‌های عادی تدوین، تصویب و منتشر می‌شوند، اما در این میان گاه وضعیت‌هایی بر نظام‌های سیاسی حادث می‌شود که حیات اجتماع را در مخاطره قرار می‌دهد. برای مدیریت این وضعیت‌های مخاطره‌انگیز، ابزارهای مختلفی در نظام‌های سیاسی وجود دارد که یکی از آنها، اعلام وضعیت اضطراری است. در وضعیت اضطراری، محدودیت‌هایی نسبت به حقوق و آزادی‌های اساسی، همچون حق بر رفت‌وآمد، حق بر اشتغال و آزادی رسانه‌ای بار می‌شود. با توجه به اینکه حقوق و آزادی‌های اساسی مردم در وضعیت اضطراری در معرض تحدید قرار می‌گیرد، رعایت یکسری قواعد شکلی و ماهوی از جانب دولت‌ها الزامی است تا این وضعیت، منجر به نقض اساسی حقوق و آزادی‌های بنیادین نشود. با شیوع بیماری کووید-۱۹ در سرتاسر جهان، برخی از کشورها به اعلام وضعیت اضطراری بهداشتی پرداختند تا از این طریق بتوانند به مقابله با این بیماری بپردازند. در ایران هر چند به طور رسمی از ظرفیت‌های اصل ۷۹ قانون اساسی استفاده نشد و وضعیت اضطراری اعلام نشد، با استفاده از اصل ۱۷۶ قانون اساسی محدودیت‌هایی بر برخی از حقوق و آزادی‌ها وارد شد. بررسی فرایند اعمال این محدودیت‌ها در ایران نشان می‌دهد که الزامات شکلی و ماهوی ناظر بر وضعیت‌های اضطراری تا حدود زیادی رعایت شده است.

کلیدواژگان:

وضعیت اضطراری، کووید-۱۹، اصل ۷۹ قانون اساسی، شورای عالی امنیت ملی، حقوق و آزادی‌های اساسی.

۱. این مقاله به سفارش «مرکز ملی تحقیقات حقوق سلامت» نگارش یافته است.

* دانش‌آموخته دکتری حقوق عمومی، دانشگاه تهران.

مقدمه

قوانین و مقررات به‌طور معمول برای زمان‌های متعارف و عادی تدوین و تصویب می‌شوند. حتی قوانین اساسی که در بجهت‌ه حوادث خونین و بزرگی همچون انقلاب، صلح بعد از جنگ یا اشغال نظامی تدوین می‌شوند، عمدتاً شامل احکام و مقرراتی هستند که برای دوران عادی نوشته شده‌اند. وجود روابط عادی بین اشخاص چه در عرصه حقوق عمومی و چه در عرصه حقوق خصوصی بن‌مایه اصلی نظام‌های قانون‌گذاری و مقررات‌گذاری است؛ چراکه هر یک از نظام‌های سیاسی به‌طور معمول تلاش دارند وضعیت حاکم بر کشور را عادی جلوه دهند و از هرگونه عملکردی که نشانگر وجود آشوب و به‌هم‌ریختگی سیاسی، امنیتی و یا اجتماعی در کشور است، طفره روند.

با این حال، قدر متیقن از دوران امپراطوری رم بدین سو، این فهم وجود دارد که نظام‌های سیاسی و اداری گاه دچار وضعیت‌های غیرعادی و تنگناهایی می‌شوند که برای برون‌رفت از آنها، احکام و قواعد عادی نمی‌توانند پاسخگو باشند.^۱ گاه وضعیت سیاسی، امنیتی و اجتماعی کشور به نحوی دچار تلاطم می‌شود که نظام سیاسی کشور در بیان عجز خود در مدیریت بهینه وضعیت تردید نکرده، برای مقابله با گسترش و یا تعمیق تلاطم پیش آمده، به انواع ابزارها متشبت می‌شود. مخاطراتی که تروریسم در سال‌های آغازین سده بیست و یکم ایجاد کرد، تا همین اواخر بارزترین مصداقی بود که بر اساس آن، برخی کشورها، همچون ایالات متحده آمریکا و انگلیس، از ابزارهای تحدیدکننده حقوق و آزادی‌های اساسی همچون بازداشت بدون محاکمه استفاده کنند.^۲ اعلام وضعیت اضطراری^۳ در کنار سایر ابزارهای استثنایی همچون اعلام حکومت نظامی^۴ یا اعلام وضعیت هشدار،^۵ یکی از متعارف‌ترین راهکارهایی است که نظام‌های سیاسی برای برون‌رفت از

1. Ferejohn, John and Pasquale Pasquino, "The Law of the Exception: A Typology of Emergency Powers", *I.CON*, Vol. 2, No. 2, 2004, pp. 211; Criddle, Evan J. and Fox-Decent, Evan, "Human Rights, Emergencies, and the Rule of Law", *Human Rights Quarterly*, Vol.34, 2010, p.44.

۲. «فرمان ۲۰۰۱ در پادشاهی متحد اعلام کرد که حوادث ۱۱ سپتامبر حیات ملت مزبور را تهدید می‌کند و به بریتانیا اجازه داد تا از اجرای مفاد ماده ۵ پیمان اروپایی حقوق بشر خودداری کند؛ ماده‌ای که بازداشت بدون محاکمه افراد را ممنوع می‌کند». ساپ، جان دلیو، **حقوق بشر و وضعیت اضطراری**، ترجمه جواد کارگزاری، حقوق عمومی، ۱۳۸۸، شماره ۵، ص ۱۲۳.

3. state of emergency

4. state of siege.

5. state of alarm

تنگناهای امنیتی، دفاعی یا سایر مشکلات حاد می‌کنند.^۱ در وضعیت اضطراری، به نهادها و سازمان‌های عمومی اختیاراتی اعطا می‌شود که آنها را قادر می‌سازد با عوامل تهدیدکننده نظم عمومی به مقابله برخیزند.^۲

شیوع بیماری موسوم به کووید-۱۹ که از طریق تأثیرگذاری ویروس کرونا بر سیستم ایمنی بدن حاصل می‌شود، وضعیتی را ایجاد کرده است که می‌توان آن را بی‌سابقه توصیف کرد. بی‌سابقه از این نظر که هیچ بیماری شناخته شده‌ای تاکنون فراگیرتر از کووید-۱۹ عمل نکرده است. قدرت این بیماری در سرایت از شخصی به شخص دیگر، آن را از سایر بیماری‌های مسری متمایز کرده است. این بیماری در مدت زمان نه چندان بلند، ۲۱۳ کشور را درنوردیده و در بازه زمانی نزدیک به هشت ماه یعنی تقریباً از دسامبر ۲۰۱۹ تا جولای ۲۰۲۰، حدود پانزده میلیون نفر را در جهان درگیر کرده است که از این میان، بیش از ششصد هزار نفر جان خود را از دست داده‌اند.^۳

قدرت سرایت این بیماری و البته کشنده بودن آن در موارد حاد، باعث شد که از همان روزهای آغاز مقابله با آن، در برخی از کشورها وضعیت اضطراری اعلام شود. ارمنستان، اسلواکی، چک، استونی، گرجستان، لاتویا، مولدوا، مجارستان و رومانی جزء آن دسته از کشورهای عضو اتحادیه اروپا هستند که در اجرای ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر وضعیت اضطرار اعلام کردند. ایتالیا و اسپانیا نیز با استناد به قوانین اساسی خود، مقابله با کرونا را از طریق اعلام وضعیت اضطراری پیش بردند. در سایر قاره‌ها نیز وضعیت مشابهی کم‌وبیش حاکم است و برخی از کشورها، برای مقابله به گسترش کووید-۱۹، به اعلام وضعیت اضطراری روی آورده‌اند. به‌عنوان مثال می‌توان به ژاپن در آسیا و اتیوپی در آفریقا اشاره کرد.

۱. در پژوهش حاضر فارغ از بحث شرایط لازم برای اعلام وضعیت اضطراری هستیم. برای دیدن تحلیلی از شرایط مزبور، نک. قربان‌نیا، ناصر، **تعلیق اجرای حقوق بشر در شرایط اضطراری**، فقه و حقوق، سال ۳، ۱۳۸۶، شماره ۱۲، صص ۴۶-۴۲.

2. Criddle and Fox-Decent, op.cit, p.45.

۳. برای دیدن شرح کوتاهی از چگونگی شناسایی رسمی ابتلا به این بیماری در ایران، نک. صائب نیا، سمیه و فرشته کریمی، **بررسی تأثیر بیماری کرونا (کوید ۱۹) بر عملکرد کسب و کار؛ مورد مطالعه: کسب و کارهای کوچک و متوسط استان اردبیل**، چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۳، ۱۳۹۹، شماره ۲۴، صص ۸۴-۸۵.

با وجود این، در تعداد بیشتری از کشورها، وضعیت اضطراری اعلام نشده است و به جای آن از ظرفیت‌های دیگر نظام حقوقی استفاده کرده‌اند. ایران، مصداق بارزی از این کشورها است که به جای به‌کارگیری اصل ۷۹ قانون اساسی که به دولت اجازه می‌دهد با تصویب مجلس شورای اسلامی محدودیت‌های موقت اعمال کند، از ظرفیت‌های دیگر قانون اساسی، به‌ویژه اصل ۱۷۶، استفاده کرد. در حقیقت، بعد از بازنگری در قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ و تصویب اصل ۱۷۶ قانون اساسی ناظر بر شورای عالی امنیت ملی، نوعی دوگانگی یا ابهام در مدیریت وضعیت اضطراری در کشور ایجاد شد و این ابهام، در جریان مدیریت مقابله با کووید-۱۹ به بارزترین شکل ممکن، متبلور شد.

پژوهش حاضر با تکیه بر روش تحلیلی-تطبیقی و در مواردی هنجاری، به تبیین بایسته‌های حقوق اساسی حاکم بر مدیریت وضعیت‌های اضطراری می‌پردازد. اهمیت موضوع از آنجا نشأت می‌گیرد که در غالب قوانین اساسی با شناسایی امکان پیشامد وضعیت‌های اضطراری، اصل یا اصولی به بیان شرایط اعلام و مدیریت این وضعیت‌ها پرداخته است. حال سؤال این است که چه الزامات و بایسته‌های ساختاری-آیینی و ماهوی باید هنگام اعلام وضعیت اضطراری رعایت شود تا حقوق بنیادین اشخاص در معرض اجحاف و تهدید واقع نگردد. به‌عبارت‌دیگر، از آنجا که در وضعیت اضطراری، حقوق و آزادی‌های اساسی اشخاص در معرض تحدید قرار می‌گیرد، رعایت یکسری الزامات ضروری است تا از این طریق، تحدید حقوق و آزادی‌ها در مسیر صحیح قرار گرفته، به تهدید تبدیل نشود. در حقیقت، پژوهش حاضر بر این پیش‌فرض بنیادین استوار است، بدون رعایت این بایسته‌ها که در اصل از اصل حاکمیت قانون نشأت می‌گیرند، وضعیت اضطراری به وضعیت فارغ از حقوق و قانون و به ایزاری تهدیدکننده حقوق و آزادی‌ها تبدیل می‌شود^۱ یا همان‌طور که جورجو آگامبن تصویر کرده، به وضعیت بی‌قانونی و تعلیق حقوق مبدل می‌شود.^۲ وضعیتی که در نتیجه شیوع و گسترش بیماری کووید-۱۹ حادث شد، هر چند در ایران

۱. کتاب زیر با دغدغه یکسانی نگاشته شده و در آن، تلاش شده وضعیت اضطراری در چارچوب اصل حاکمیت قانون قرار گیرد؛

Dyzenhaus, David, *The Constitution of Law, Legality in a Time of Emergency*, Cambridge: Cambridge University Press, 2006.

2. Gross, Oren, "Extra-legality and the Ethic of Political Responsibility", in *Emergencies and the Limits of Legality*, edited by Victor Ramraj, Cambridge: Cambridge University Press, 2008, p.62.

به طور رسمی به عنوان وضعیت اضطراری شناسایی نشد، با توجه به ابعاد امر و اینکه با توجه به عملکرد تعدادی از کشورها می‌توانست به عنوان وضعیت اضطراری شناسایی شود، به عنوان مطالعه موردی مدنظر قرار خواهد گرفت.

۱. بایسته‌های ساختاری و آیینی مدیریت وضعیت‌های اضطراری

بخش عمده‌ای از بایسته‌های حاکم بر مدیریت وضعیت‌های اضطراری را می‌توان ذیل عنوان بایسته‌های شکلی، ساختاری یا آیینی دسته‌بندی کرد. منظور از بایسته‌های آیینی الزاماتی هستند که به فرایند و آیین اعلام وضعیت اضطراری مربوط می‌شوند و بی‌توجهی به آنها ممکن است به تضییع حقوق و آزادی‌های اساسی اشخاص در دوران شرایط اضطراری منجر شود. مهم‌ترین بایسته در این زمینه، لزوم اساسی‌سازی مدیریت وضعیت اضطراری است که به بنیادهای حقوق اساسی بحث مربوط می‌شود (۱-۱). از طرف دیگر، نقش مجلس نمایندگان در اعلام وضعیت اضطراری بسیار اساسی است و اعلام وضعیت اضطراری بدون همکاری نمایندگان مردم می‌تواند پیامدهای نامطلوبی در پی داشته باشد (۱-۲). در کنار این دو بایسته، باید به لزوم موقتی بودن شرایط دوران اضطرار نیز اشاره کرد؛ چراکه بدون رعایت این بایسته، دوران اضطرار و تحدید حقوق و آزادی‌های اساسی می‌تواند به یک هنجار عادی و دائمی تبدیل شود (۱-۳). در نهایت باید تأکید کرد که اعلام وضعیت اضطراری برای مدیریت شرایط استثنایی است، ولی بدان معنا نیست که دولت فعال ما یشاء باشد. بلکه اعمال اداره در این دوران باید تحت نظارت قضایی قرار بگیرد تا بتوان اطمینان حاصل کرد که دولت تنها در حدود لازم و ضروری به تحدید حقوق و آزادی‌های اشخاص پرداخته است (۱-۴).

۱.۱. ضرورت اساسی‌سازی مدیریت وضعیت اضطراری

تمشیت و مدیریت وضعیت‌های اضطراری باید مبتنی بر قانون اساسی باشد. از آنجاکه اعلام وضعیت اضطراری و اجرای محدودیت‌ها به‌طور معمول با تحدید حقوق و آزادی‌های بنیادین همراه می‌باشد، لذا در خود قوانین اساسی باید تمهیداتی برای این امر اندیشیده شود. در غیر این صورت، نظام‌های سیاسی به‌راحتی می‌توانند با بهره‌گیری از ابزار وضعیت اضطراری، تضمینات مقرر در قانون اساسی را به مخاطره اندازند. جزء ۲ ماده (الف) استانداردهای حداقلی پاریس دربارهٔ

اعلام وضعیت اضطراری که در سال ۱۹۸۴ توسط انجمن حقوق بین‌الملل تدوین شده است،^۱ به لزوم اساسی‌سازی فرایند اعلام وضعیت‌های اضطراری تأکید می‌کند.^۲ البته برخی از اندیشمندان با پیش‌بینی شرایط شناسایی وضعیت‌های اضطراری در قوانین اساسی مخالف بوده، آن را غیرممکن می‌دانند. الکساندر همیلتون این کار را به‌واسطه ماهیت پیش‌بینی‌ناپذیر وضعیت‌های استثنایی و اضطراری غیرممکن می‌داند.^۳ کارل اشمیت، حقوقدان معروف آلمانی، هم بر این باور بود که شرایط استثنایی قاعده‌پذیر نیست: «استثنا آن چیزی است که نمی‌تواند ذیل قاعده و قانون قرار داده شود؛ استثنا در برابر رمزگذاری و تدوین عام می‌ایستد...»^۴.

با پذیرش اهمیت مدیریت وضعیت‌های اضطراری، قوانین اساسی مختلف مقرراتی را در این باره وضع کرده‌اند.^۵ مانند اصل ۱۶ قانون اساسی فرانسه مصوب ۱۹۵۸ و اصل ۱۱۵ قانون بنیادی آلمان که به بیان وضعیت اضطراری و نحوه مدیریت آن می‌پردازند. در خصوص این الزام بنیادین، قانون اساسی ایران را می‌توان جزء قوانین اساسی پیشرو دانست؛ چراکه اصل ۷۹ قانون اساسی به طور مشخص به بیان مدیریت وضعیت‌های اضطراری پرداخته است. طبق این اصل، «برقراری حکومت نظامی ممنوع است. در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن، دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای اسلامی موقتاً محدودیت‌های ضروری را برقرار نماید، ولی مدت آن به‌رحال نمی‌تواند بیش از سی روز باشد و در صورتی که ضرورت همچنان باقی باشد، دولت موظف است مجدداً از مجلس کسب مجوز کند.» این اصل ضمن اعلام ممنوعیت مطلق برقراری حکومت نظامی، مدیریت دوران اضطرار را به مجلس و دولت واگذار کرده است. به این نحو که در صورت بروز شرایط اضطراری، دولت می‌تواند با تشخیص نامناسب بودن وضعیت، مجوز لازم را برای اعمال محدودیت‌های ضروری از مجلس اخذ کند.

۱. انجمن حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۸۴ متنی را در ۱۶ ماده منتشر کرد که در آن، استانداردهای حداقلی بیان شده که باید در وضعیت اضطراری رعایت شود. برای دیدن شرحی مستوفی از این استانداردها، نک:

Chowdhury, Subrata Roy, *Rule of Law in a State of Emergency: The Paris Minimum Standards of Human Rights Norms in a State of Emergency*, Palgrave Macmillan, 1989.

2. Lillich, Richard B., "The Paris Minimum Standards of Human Rights Norms in a State of Emergency", *American Journal of International Law*, Vol. 79, 1985, p.1072.

3. Criddle and Fox-Decent, op.cit, p.43.

۴. به نقل از حسینی بهشتی، سیدعلیرضا، ساناز ملکی و مجید اکبری، **منطق استثنا در فلسفه سیاسی کارل اشمیت**، جستارهای فلسفی، ۱۳۹۳، شماره ۲۶، ص ۹۵.

5. Ferejohn and Pasquino, op.cit, p. 210.

تاکنون اصل ۷۹ قانون اساسی دربارهٔ اعلام وضعیت اضطراری مورد استناد و استفادهٔ عملی قرار نگرفته است. ولی باین‌حال، در سطح مباحث نظری، چند ابهام دربارهٔ آن وجود دارد. ابهام نخست را می‌توان در خصوص نوع و ماهیت شرایط اضطراری دانست. در اصل ۷۹ قانون اساسی به جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن اشاره شده است؛ بنابراین تنها به یک مصداق ذکر شده و به همین خاطر، کشف نیت قانون‌گذار از سایر حوادث و شرایط نظیر جنگ بسیار دشوار است. مطالعهٔ مشروح مذاکرات جلسه سی و چهارم مجلس تدوین نهایی قانون اساسی مورخ ۱۳۵۸/۷/۷ نیز که مشتمل بر مباحث مطرح شده پیرامون این اصل می‌باشد، کمک چندانی در کشف مصادیق نمی‌کند.

این مسئله از آنجا اهمیت دارد که بدون شناسایی مصادیق احتمالی شرایط اضطراری نظیر جنگ، نمی‌توان دامنهٔ اجرایی این اصل را تعیین کرد. درواقع، یکی از چالش‌هایی که دربارهٔ اعلام یا عدم اعلام شرایط اضطراری برای مقابله با شیوع کووید-۱۹ وجود داشت، در خصوص همین بحث بود. هنگامی که طرح سه فوریتی تعطیلی کشور برای یک ماه در فروردین ۱۳۹۹ به مجلس ارائه شد، یکی از ابهام‌های موجود شمول یا عدم شمول مفهوم شرایط اضطراری به بیماری کرونا بود. هرچند این طرح از جهات مختلف مغایر با قانون اساسی بودن، اما به‌هرحال، برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز با این استدلال که شیوع بیماری کووید-۱۹ را نمی‌توان به عنوان مصداقی از مصادیق شرایط اضطراری نظیر جنگ در نظر گرفت، با ارائهٔ چنین طرحی مخالف بودند.^۱

نکتهٔ مهم دیگری که البته نمی‌توان آن را نادیده گرفت، ابهام دربارهٔ اصل ۷۹ پیش‌گفته با اصل ۱۷۶ قانون اساسی است که به بیان اختیارات شورای عالی امنیت ملی می‌پردازد. با آنکه اصل ۷۹ قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ تصویب شده است، اصل ۱۷۶ در بازنگری به قانون اساسی

۱. به عنوان مثال، غلامعلی جعفرزاده ایمن‌آبادی، نماینده رشت، در تاریخ ۱۳۹۹/۱/۱۸ یکی از علل مخالفت خود با این طرح را مستظهر به این امر دانست که «استناد به اصل ۷۹ در این خصوص بی‌معنا است، چرا که اگر بر اساس نص قانون بخواهیم تفسیر کنیم، نمی‌توان این مورد را از آن استنتاج کرد، زیرا قانون صراحت دارد ... در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن.» اگر قانون واژه یاد شده را ذکر نمی‌کرد، شاید مجال تفسیر بیشتری بود.» به نقل از خبرگزاری خانه ملت.

الحاق شد. طبق این اصل، به منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی، شورای عالی امنیت ملی به ریاست رئیس‌جمهور تشکیل می‌شود. وظایفی که برای این شورا در نظر گرفته شده، به این شرح است: ۱- تعیین سیاست‌های دفاعی-امنیتی کشور در محدوده سیاست‌های کلی تعیین شده از طرف مقام رهبری؛ ۲- هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی-امنیتی؛ ۳- بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی. این شورا متناسب با وظایف خود، می‌تواند شوراهای فرعی از قبیل شورای دفاع و شورای امنیت کشور تشکیل دهد که حدود اختیارات و وظایف آنها را قانون تعیین می‌کند. قانون اساسی اجرایی شدن مصوبات شورای عالی امنیت ملی را به تأیید مقام رهبری منوط کرده است.

ابهام مهمی که درباره اصول ۷۹ و ۱۷۶ قانون اساسی وجود دارد، همپوشانی حوزه‌های اجرایی شدن آنهاست. بدین معنا که به نظر می‌رسد، در موارد مربوط به اصل ۷۹ قانون اساسی، به جای توسل به اصل مزبور می‌توان اصل ۱۷۶ قانون اساسی را اجرا کرد. با آنکه طبق اصل ۷۹ قانون اساسی دولت حق دارد با تصویب مجلس موقتاً محدودیت‌های ضروری را برقرار کند، با اجرای اصل ۱۷۶ به جای این اصل، شورای عالی امنیت ملی به جای دولت و مجلس شورای اسلامی تصمیمات لازم را اتخاذ خواهد کرد.

آنچه در جریان مقابله با کووید-۱۹ مشاهده شد، تأییدی بر وجود این ابهام است. با آنکه انتظار می‌رفت دولت با توسل به اصل ۷۹ قانون اساسی از مجلس شورای اسلامی تقاضا کند اعمال یکسری محدودیت‌های ضروری را برای مقابله با شیوع و گسترش ویروس کرونا به طور موقت تصویب و اختیارات لازم را در این خصوص به دولت اعطا کند، آنچه در عمل اتفاق افتاد، ورود شورای عالی امنیت ملی به مسئله بود. این شورا برای مقابله با کرونا، به جای اینکه مسئولیت را به طور مستقیم به عهده بگیرد، در اوایل اسفند ۱۳۹۸، ستادی به نام ستاد ملی مقابله با کرونا با ریاست وزیر بهداشت تشکیل داد که در آن، اعضای از سه قوه و نهادهای دیگر حضور دارند.

با آنکه اصل ۱۷۶ قانون اساسی به شورای عالی امنیت ملی اجازه تشکیل شوراهای فرعی را متناسب با وظایف خود از جمله شورای دفاع و شورای امنیت کشور داده است، اما اینکه آیا می‌توان ستاد ملی مقابله با کرونا را به عنوان یکی از شوراهای فرعی این شورا به شمار آورد،

چندان روشن نیست. با توجه به اینکه قانونی در زمینه حدود وظایف و اختیارات شوراهای فرعی شورای عالی امنیت ملی و از جمله این ستاد به تصویب نرسیده است، شاید بتوان این نظر را پذیرفت که ستاد ملی مقابله با کرونا را نمی‌توان به عنوان یکی از شوراهای فرعی شورای عالی به شمار آورد. ضمن اینکه به نظر می‌رسد برداشت قانون‌گذار اساسی از شوراهای فرعی، شوراهای دائمی است و مثال‌هایی که برای آنها ذکر کرده است، جزء امور دائمی و غیرموقت هستند؛ مانند دفاع و امنیت. به علاوه، تعیین حدود وظایف و اختیارات آنها توسط قانون عادی نشانگر این مسئله است که شوراهای فرعی مدنظر قانون‌گذار اساسی نهادهای دائمی هستند؛ چراکه پیش‌بینی تصویب قانونی راجع به حدود وظایف و اختیارات یک شورای فرعی که قرار است به سرعت تشکیل شود و با یک پدیده یا حادثه فراگیر و موقتی مقابله کند، با حکمت قانون‌گذار سازگار نیست و منوط کردن تعیین وظایف و اختیارات یک ستاد موقت برای مقابله با حوادثی همچون شیوع کرونا به قانون مصوب مجلس، چندان معقول به نظر نمی‌رسد.

۱.۲. شناسایی نقش مجلس نمایندگان در فرایند مدیریت دوران اضطرار

یکی از اصول مهم در مدیریت دموکراتیک دوره‌های اضطرار، حضور و نقش مجلس نمایندگان در فرایند مقابله با بحران است. نحوه حضور و مداخله مجالس در این فرایند از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. در برخی از کشورها، الگوی پارلمانی^۱ وضعیت اضطرار حاکم است که طبق آن، پارلمان به تصویب قانون دوران اضطرار می‌پردازد. به‌عنوان مثال، می‌توان به قانون وضعیت‌های اضطرار ملی^۲ آمریکا اشاره کرد که در سال ۱۹۷۶ تصویب شده است. همچنین قانون میهن‌پرستی (پاتریوت) در ایالات متحده آمریکا و قوانینی که در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در آلمان و ایتالیا علیه تروریسم تصویب شد، در این خصوص قابل ذکر هستند.^۳ در خصوص مقابله با کرونا نیز راهبرد وضع قانون ویژه در برخی از کشورها اتخاذ شده است. به‌عنوان مثال، پارلمان انگلستان ترجیح داد مقابله با کرونا را از طریق تصویب قانون

1. Legislative model.

See: Ferejohn and Pasquino, op.cit, p. 216.

2. Public Law 94-412 National Emergencies Act, 14 September 1976.

Available at: <https://www.govinfo.gov/content/pkg/STATUTE-90/pdf/STATUTE-90-Pg1255.pdf> (accessed 20 July 2020).

3. Ferejohn and Pasquino, op.cit, p. 215.

کرونا ویروس در ۲۵ مارس ۲۰۲۰ دنبال کند.^۱ فرانسه نیز قانون وضعیت اضطراری برای مقابله با کووید-۱۹ را در ۲۳ مارس ۲۰۲۰ تصویب کرد. کانادا،^۲ نوزیلند،^۳ سنگاپور، فیلیپین، ایرلند، برزیل^۴ و چین نیز قوانین مشابهی را در سال ۲۰۲۰ وضع کردند.

در برخی دیگر از کشورها به‌ویژه در کشورهای منطقه‌ی مینا، به‌طور معمول رئیس‌جمهور یا نخست‌وزیر مجوزهای لازم را برای مدیریت وضعیت اضطراری را از پارلمان اخذ می‌کند. در این خصوص می‌توان به اصل ۱۱۶ قانون اساسی اسپانیا و اصل ۱۲۱ قانون اساسی یمن اشاره کرد که طبق آنها، دولت مجوز مدیریت دوران اضطرار را از پارلمان اخذ می‌کند. باین حال، در برخی دیگر از کشورها، دولت بدون نیاز به کسب مجوز از پارلمان به اعلام وضعیت اضطراری پرداخته، مدیریت آن را به عهده می‌گیرد. به‌عنوان مثال، اصل ۱۱۹ قانون اساسی ترکیه اعلام وضعیت اضطراری را به هیئت وزیران که با حضور رئیس‌جمهور تشکیل می‌شود، واگذار کرده است.

عدم مشارکت پارلمان در فرایند اعلام و مدیریت وضعیت اضطراری می‌تواند تهدیدکننده حقوق و آزادی‌های اساسی مردم باشد و به دگردیسی حکومت منجر شود. این خطر بالقوه حتی در نظام‌هایی که مدیریت شرایط اضطراری را به قانون واگذار کرده‌اند، نیز وجود دارد. اصل ۴۸ قانون اساسی وایمار که به دولت اجازه می‌داد به بهانه حفظ امنیت و نظم عمومی کشور، بدون اطلاع پارلمان، به اعلام وضعیت اضطراری پرداخته، حقوق و آزادی‌های اساسی را مطابق قانون محدود کند، یکی از عوامل عمده به قدرت رسیدن هیتلر در دهه ۱۹۳۰ قلمداد شده است.^۵ در حقیقت، عدم دخالت پارلمان در جریان اعلام شرایط اضطراری می‌تواند به پیامدهای نامطلوبی

1. Coronavirus Act, 25 March 2020.

Available at: <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/2020/7/contents/enacted> (accessed 20 July 2020).

2. LOI n° 2020-290 du 23 mars 2020 d'urgence pour faire face à l'épidémie de covid-19.

Disponible sur:

<https://www.legifrance.gouv.fr/affichTexte.do?cidTexte=JORFTEXT000041746313&dateTexte=&categorieLien=id> (consulté le 20 Juillet 2020).

3. COVID-19 Emergency Response Act, 25 March 2020.

Available at: https://laws-lois.justice.gc.ca/eng/AnnualStatutes/2020_5/page-1.html (accessed 20 July 2020).

4. COVID-19 Response (Urgent Management Measures) Legislation Act, 25 March 2020.

Available at: <http://www.legislation.govt.nz/bill/government/2020/0239/latest/LMS326982.html> (accessed 20 July 2020).

5. MEDIDA PROVISÓRIA N° 959, DE 29 DE ABRIL DE 2020.

disponible en: <http://www.in.gov.br/web/dou/-/medida-provisoria-n-959-de-29-de-abril-de-2020-254499639> (citado en 20 Julio 2020).

۶. امیراجمند، اردشیر، وضعیت اضطراری، حقوق عمومی، ۱۳۸۵، شماره ۱، ص ۱۶.

منجر شود، حتی اگر قرار باشد مدیریت این شرایط طبق قانون مصوب پارلمان صورت پذیرد. بند ۲ استانداردهای حداقلی پاریس دربارهٔ اعلام وضعیت اضطراری مصوب ۱۹۸۴، تأکید می‌کند که هرگاه قانون اساسی مسئولیت اعلام وضعیت اضطراری را به قوهٔ مجریه واگذار کند، باید آن را منوط به تأیید پارلمان کند.

ایران را می‌توان جزء کشورهای دسته دوم به شمار آورد که در آن، اعلام وضعیت اضطراری و اعمال محدودیت‌های موقت، نیازمند تأیید مجلس است. اصل ۷۹ قانون اساسی که به بیان وضعیت اضطراری پرداخته، به لزوم وضع قانون در این زمینه اشاره نکرده و اعمال محدودیت‌های موقتی توسط دولت را به کسب مجوز لازم از مجلس منوط کرده است. با این حال، به نظر می‌رسد تصویب یک قانون ناظر بر وضعیت اضطرار ضروری است و مغایرتی با قانون اساسی ندارد. در حقیقت، مجلس شورای اسلامی در اجرای اصل ۷۱ قانون اساسی که به آن صلاحیت عام قانون‌گذاری در عموم مسائل را در چارچوب قانون اساسی را اعطا کرده است، می‌تواند قواعد لازم دربارهٔ نحوهٔ عملکرد دولت در شرایط اضطراری را در یک قانون تعیین کند. در فقدان چنین قانونی، می‌توان انتظار داشت که دولت در دورانی که وضعیت اضطراری حاکم است، با مشکلات اجرایی و اداری متعدد مواجه گردد؛ چراکه به‌طور معمول، بخش اعظمی از قوانین و مقررات کشور برای وضعیت‌های عادی و غیراضطراری تدوین شده‌اند و در صورتی که دولت بخواهد با اتکای صرف به مجوزی که در اجرای اصل ۷۹ قانون اساسی از مجلس اخذ می‌کند، به مدیریت وضعیت اضطراری بپردازد، باید وقت و نیروی زیادی را صرف ایجاد هماهنگی بین سازمان‌های مختلف بکند تا بتواند به کمک آنها قوانین مربوط به وضعیت‌های عادی را با الزامات وضعیت اضطراری انطباق دهد.

۱.۳. لزوم موقتی بودن اعلام وضعیت اضطراری

یکی از الزامات مهمی که در خصوص مدیریت وضعیت اضطراری باید رعایت شود، موقتی بودن این دوره است. به این معنا که باید بازه زمانی مشخصی برای وضعیت اضطراری در نظر گرفته شود. موقتی بودن وضعیت اضطراری یک قاعدهٔ منطقی و قابل‌پذیرش است؛ چراکه وضعیت اضطراری یک دوران استثنایی است که برای مدیریت یکسری حوادث موقت اعلام

می‌شود و هرگاه این حوادث خاتمه پیدا کند، لاجرم این وضعیت نیز باید به حالت عادی بازگردد.^۱ در غیر این صورت، دولت‌ها می‌توانند از ظرفیت وضعیت اضطراری به عنوان ابزاری برای تحدید دائمی یا طولانی‌مدت حقوق و آزادی‌های بنیادین اشخاص استفاده کنند. از طرف دیگر، طولانی شدن دوره اضطرار باعث می‌شود که امر استثنایی به یک جریان رایج تبدیل شود و آزادی مردم حتی در صورت رفع شرایط اضطراری به دست فراموشی سپرده شود.^۲ به خاطر اهمیت این امر، بند ۳ ماده (الف) استانداردهای حداقلی پاریس و بند ۴۸ اصول سیراکوز درباره تحدید و تعلیق مقررات میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که در سال ۱۹۸۴ تدوین شده،^۳ به لزوم موقت بودن وضعیت اضطرار توجه کرده است.

کلینتون روسیتر در کتاب کلاسیک خود، *دیکتاتوری مشروطه* که در سال ۱۹۴۸ منتشر شده است،^۴ تفاوت دیکتاتوری مشروطه با دیکتاتوری فاشیست را در همین موقت بودن وضعیت می‌داند. قوانین اساسی برای صیانت از بیضه نظام سیاسی، در مواردی که وضعیت و شرایط استثنایی حاکم شده است، دیکتاتوری مشروطه را تجویز می‌کنند، ولی این جواز موقت است و پس از رفع شرایط استثنایی، از بین می‌رود. حال آنکه در نظام‌های فاشیستی، اعمال دیکتاتوری فارغ از بحث زمان است.^۵ در قرن بیستم، دوران بلندی از وضعیت اضطراری در مصر حاکم بود و به‌ویژه پس از قتل انور سادات در سال ۱۹۸۱، وضعیت اضطراری در این کشور به مدت سه دهه تمدید شد.^۶ در الجزایر نیز از ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۱ به مدت ۱۹ سال وضعیت اضطراری حاکم بود که با تعلیق یا تحدید بیش‌ازپیش حقوق و آزادی‌های بنیادین و سرکوب رسانه‌های جمعی همراه بود.^۷

1. Ferejohn and Pasquino, op.cit, p. 217.

۲. هاشمی، سید محمد، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، جلد ۲، تهران: نشر دادگستر، چاپ پنجم، ۱۳۸۰، ص ۱۸۹.

3. Siracusa Principles on Limitation and Derogation Principles in the International Covenant on Civil and Political Rights, Human Rights Quarterly, Vol. 7, No. 1, 1985.

4. Rossiter, Clinton, *Constitutional Dictatorship*, Routledge, 2002.

5. Dyzenhaus, David, *The Constitution of Law, Legality in a Time of Emergency*, Cambridge: Cambridge University Press, 2006, p.36.

6. Reza, Sadiq, "Endless Emergency: The Case of Egypt", *New Criminal Law Review*, Vol. 10, Issue 4, 2007, pp. 532-553.

۷. برای دیدن فهرستی از کشورهای عرب که در وضعیت اضطراری طولانی به سر برده‌اند، نک. Malki, Mhamed, "From the Law of the Ruler to the Rule of Law", in: *Arab Human Development in the Twenty-first Century; The Primacy of Empowerment*, edited by Bahgat Korany, Cairo: The American University in Cairo Press, 2014, p.47.

محدودیت زمانی دوره اضطرار در قوانین اساسی کشورهای مختلف مورد توجه قرار گرفته است. به‌عنوان مثال، اصل ۶۱ قانون اساسی عراق مصوب ۲۰۰۵ و اصل ۱۱۶ قانون اساسی اسپانیا یک دوره سی روزه را برای اعلام وضعیت اضطراری تعیین کرده‌اند که البته قابل تمدید است. با این حال، در اکثر قوانین اساسی، سقفی برای تمدیدهای مکرر در نظر گرفته نشده است. این امر شاید ناشی از طبیعت وضعیت‌های اضطراری باشد؛ چراکه شاید نتوان برای مدیریت بهینه یک وضعیت اضطراری خاص، دو، سه یا چند دوره یک ماهه یا چند ماهه را به صورت پیشینی تعیین کرد. در حقیقت، یکی از ویژگی‌های وضعیت اضطراری، استثنایی و غیرعادی بودن آن است و تا زمانی که حاکم باشد، اصولاً تابع قواعد استثنایی خواهد بود.

با این حال، نمی‌توان خطرات پذیرش مطلق امکان تمدید دوره‌های اضطراری را نادیده گرفت. در این خصوص به نظر می‌رسد، بهترین روش این است که برای تمدیدهای بیش از دو یا سه دوره مکرر، فرایند دشوارتری در نظر گرفت. به‌عنوان مثال، شاید بتوان برای تمدیدهای چهارم یا پنجم حد نصاب بیشتری از آرای نمایندگان پارلمان را در نظر گرفت یا قوه قضائیه را نیز در اتخاذ تصمیم راجع به تمدید، مشارکت داد و یا از سازمان‌های مردم‌نهاد و جامعه مدنی استفاده کرد. به‌رحال، بدون تأکید بر یک راهکار خاص، می‌توان از لزوم تمهید فرایندهای دشوارتر برای تمدیدهای مکرر به عنوان یکی از راه‌های پاسداری از حقوق و آزادی‌های بنیادین مردم در مقابل خطرات بالقوه ناشی از تمدید مکرر دوره‌های اضطرار دفاع کرد. راهکار دیگری که برای حل خطرات تمدیدهای مکرر به کار می‌رود، عدم پذیرش امکان تعلیق حقوق و آزادی‌ها در وضعیت‌هایی است که ادعا شده اضطراری می‌باشد، ولی مکرراً تمدید شده است. «از این رو، در دولت‌هایی که وضعیت اضطراری به صورت دائمی و نهادینه درآمده است، هیچ‌گاه نمی‌توان تعلیق را قابل اعمال دانست. کمیسیون آمریکایی حقوق بشر با اتکا به همین معیار، اعلام نمود در کشورهای آمریکای لاتین، حالت فوق‌العاده نهادینه شده است و بنابراین، این دولت‌ها نمی‌توانند با توصیف وضعیتی به عنوان وضعیت اضطراری، از حق تعلیق برخوردار شوند»^۱.

اصل ۷۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در راستای رعایت موازنه میان حقوق و آزادی‌های بنیادین و لزوم مدیریت وضعیت اضطرار، به‌درستی بازه زمانی یک‌ماهه را برای اعمال

۱. قربان‌نیا، پیشین، ص ۴۲.

محدودیت‌های لازم تعیین کرده است. این بازه زمانی قابل تمدید است. البته همان‌طور که اشاره شد، اصل ۷۹ مزبور از این نظر که برای تمدید دوره اضطرار سقفی تعیین نکرده یا فرایند دشوارتری برای تمهیدهای بعدی مقرر ننموده است، می‌تواند محل تأمل باشد. ولی با توجه به اینکه مقابله با کرونا نه از طریق اصل ۷۹، بلکه از مسیر اصل ۱۷۶ قانون اساسی و شورای عالی امنیت ملی اجرایی شد، الزام روشنی درباره لزوم موقت بودن تصمیمات و اقدامات ستاد ملی مقابله با کرونا وجود ندارد. اصل ۱۷۶ مزبور درباره ابعاد زمانی تصمیمات این شورا ساکت است و در رویه قضایی و سیاسی نیز رویکرد مشخصی در این زمینه وجود ندارد. البته طبیعت بیماری کرونا و نحوه گسترش آن در کشور و سرتاسر جهان و ماهیت و ابعاد حقوق و آزادی‌هایی که تحت تأثیر مقابله با این بیماری قرار گرفته‌اند، به نحوی است که تاکنون، نگرانی چندانی در این خصوص ایجاد نشده است. ولی با وجود این، به نظر می‌رسد بهتر است در مواردی که به جای اصل ۷۹ قانون اساسی از اصل ۱۷۶ استفاده می‌شود، بایسته‌های حداقلی ناظر بر چگونگی اعمال اصل اخیر از جمله لزوم موقتی بودن محدودیت‌های ضروری، در تصمیمات و اقدامات شورای عالی امنیت ملی نیز مورد توجه قرار گیرد.

۱.۴. امکان نظارت قضایی بر تصمیمات دوره اضطرار

با توجه به اینکه احتمال تضییع یا تحدید حقوق اشخاص در دوره مدیریت اضطرار زیاد است، لازم است فرایندهایی برای نظارت قضایی بر عملکرد دولت وجود داشته باشد. نظارت قضایی بر اعمال اداره در دوران اضطرار از این نظر ضروری است که بدون وجود چنین نظارتی، حقوق اشخاص بدون هیچ مانع و رادع مهمی در معرض تحدید و تهدید قرار می‌گیرد. بند ۳۶ نظریه کمیسیون ونیز درباره صیانت از حقوق بشر در وضعیت اضطراری که در جلسه ۶۶ این کمیسیون به تاریخ ۱۷ و ۱۸ مارس ۲۰۰۶ مورد تصویب واقع شده است، صلاحیت عام نظارت بر چگونگی اعمال قدرت در وضعیت اضطراری را برای دادگاه‌ها شناسایی می‌کند.^۱

1. Commission de Venise, Avis sur la protection des droits de l'homme dans les situations d'urgence, 2006, Disponible sur: [https://www.venice.coe.int/webforms/documents/default.aspx?pdffile=CDL-AD\(2006\)015](https://www.venice.coe.int/webforms/documents/default.aspx?pdffile=CDL-AD(2006)015) (consulté le 20 Juillet 2020).

بدین ترتیب، باید بین یوس تیتيوم (تعلیق حقوق)^۱ و وضعیت اضطراری در معنای مدرن، قائل به تفکیک شد. یوس تیتيوم در حقوق رم شامل وضعیتی بود که متعاقب مرگ پادشاه اعلام می‌شد؛ یعنی در فاصله زمانی میان مرگ پادشاه قبلی و تاجگذاری پادشاه جدید که احتمال آشوب و شورش زیاد بود. همچنین در دوره‌ای که قلمرو کشور مورد تاخت و تاز قرار می‌گرفت و یا حوادث مخاطره‌انگیز ایجاد می‌شد. به تدریج در اواخر امپراطوری، یوس تیتيوم به معنای توانایی امپراطور در تعلیق حقوق برای محافظت از کلیت کشور بود.^۲ اما وضعیت اضطراری در معنا مدرن خود به معنای تعلیق حقوق نیست، بلکه نوع جدیدی از حقوق اعمال می‌شود که در آن محدودیت‌هایی برای حقوق و آزادی‌های اشخاص بار می‌شود. با توجه به اینکه در وضعیت اضطراری نظام حقوقی و قضایی کشور معلق نمی‌شود، انتظار می‌رود قضات که پاسداران حاکمیت قانون هستند، نظارت خود را بر چگونگی به کارگیری قدرت در دوران اضطرار، اعمال کنند.

اصول ۱۷۰ و ۱۷۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که وجود نظارت قضایی بر اعمال دولت را از طریق دادگاه‌های عادی و نیز دیوان عدالت اداری مقرر کرده، درباره نوع این اعمال که آیا مربوط به دوره عادی هستند یا دوره اضطرار، سکوت کرده است. اصل ۷۹ قانون اساسی نیز که به دولت اجازه می‌دهد در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن، با تصویب مجلس شورای اسلامی موقتاً محدودیت‌های ضروری را برقرار نماید، درباره امکان یا عدم امکان نظارت قضایی بر اعمال دولت در این دوره، مطلبی را عنوان نکرده است.

با توجه به اینکه تاکنون از اصل ۷۹ قانون اساسی برای مقابله با بحران‌ها استفاده نشده است، به همین خاطر اظهار نظر درباره نحوه نظارت قضایی بر عملکرد دولت در این خصوص، تنها در سطح نظری امکان‌پذیر است. در این باره به نظر می‌رسد دادگاه‌ها و دیوان عدالت اداری تنها در چارچوب مجوزی که دولت در اجرای اصل ۷۹ قانون اساسی از مجلس شورای اسلامی اخذ کرده است، می‌توانند به اعمال دولت به اعمال نظارت پردازند. بدین معنا که دادگاه‌ها و دیوان عدالت اداری اصولاً نباید اعمال دولت در دوره اضطرار را با قوانین عادی به آن نحو که در دوره

1. Iustitium (Suspension of the law)

برای دیدن شرحی دقیق از یوس تیتيوم، نک. آگامین، جورجو، وضعیت استثنایی، ترجمه پویا ایمانی، فصل سوم، تهران: نشر نی، ۱۳۹۵.

۲. کیان پور، امیر، وقتی قاعده وضعیت استثنایی است، گفتگو، ۱۳۸۸، شماره ۵۴، ص ۴۵.

غیراضطراری مورد عمل واقع می‌شوند، مورد نظارت قرار دهد؛ چراکه در این صورت، نقض غرض شده و مجوز صادر شده توسط مجلس در چارچوب قوانین عادی از پیش موجود، لغو اثر خواهد شد. ولی اینکه دادگاه‌ها و دیوان عدالت اداری دقیقاً به چه نحو می‌توانند عملکرد دولت در دوره اضطرار را در چارچوب مجوز مجلس تحت نظارت خود قرار دهند، در قوانین و به‌ویژه قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری تبیین نشده است. در فقدان قانون نحوه اجرای اصل ۷۹ قانون اساسی، به نظر می‌رسد مجلس شورای اسلامی در هر مورد که بخواهد مجوزی را در اجرای این اصل برای دولت صادر کند، باید به طور دقیق حدود و ثغور اختیارات دولت را به‌ویژه در برابر حجم انبوهی از قوانین عادی تبیین کند. در غیر این صورت، صدور یک مجوز کلی برای دولت به منظور مدیریت دوران اضطرار نمی‌تواند مبنای مناسبی برای اعمال نظارت قضایی در اختیار قرار دهد و بیم آن می‌رود که در نبود قانون نحوه اجرای اصل ۷۹ قانون اساسی و در صورت کلی بودن مجوز صادره، اقدامات دولت در این دوران از دسترس نظارت قضایی خارج شود و آزادی‌های اشخاص را بیش از آنچه مورد نیاز است، تحت‌الشعاع قرار دهد.

اگر دولت (در معنای عام) بخواهد از طریق اصل ۱۷۶ مدیریت دوره اضطرار را به عهده بگیرد، تصمیمات اتخاذ شده توسط شورای عالی امنیت ملی و یا نهادی که از قبل این شورا، مجاز به تصمیم‌گیری در این باره شده است، تا حدود زیادی از دسترس نظارت قضایی خارج خواهد شد. در جریان مقابله با شیوع بیماری کرونا نیز همین اتفاق افتاد و به‌کارگیری ظرفیت‌های اصل ۱۷۶ باعث شد که تصمیمات و اقدامات شورای عالی امنیت ملی و ستاد ملی مقابله با کرونا در خصوص نحوه تمشیت بیکاری و مقابله با آن خارج از حوزه نظارت قضایی قرار گیرد. در حقیقت، تبصره ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ مصوبات و تصمیمات شورای عالی امنیت ملی را از شمول نظارت هیئت عمومی دیوان عدالت اداری خارج کرده است. از این‌رو در مواردی که وضع مصوبه یا اتخاذ تصمیمات لازم برای مدیریت دوره اضطرار به شورای عالی امنیت ملی واگذار شده باشد و این شورا در انجام وظایف محوله مصوباتی وضع کرده یا تصمیماتی اتخاذ کند، خارج از شمول نظارت قضایی دیوان عدالت اداری خواهد بود.

۲. بایسته‌های محتوایی مدیریت وضعیت اضطراری

در کنار بایسته‌های ساختاری یا شکلی که ناظر بر فرایند مدیریت وضعیت‌های اضطراری است، دسته دیگری از الزامات وجود دارد که رعایت آنها باید در محتوای قواعد و مقررات ناظر بر وضعیت اضطراری مورد توجه قرار گیرد. با رعایت این الزامات می‌توان اطمینان حاصل کرد که حقوق و آزادی‌های اساسی افراد بیش از آنچه ضرورت اقتضا می‌کند، در معرض تهدید و تحدید قرار نخواهد گرفت. این بایسته‌ها را می‌توان در قالب سه عنوان اصل تناسب (۱-۲)، اصل عدم تبعیض (۲-۲) و اصل رعایت حق‌ها و آزادی‌های مطلق (۳-۲) مورد مطالعه قرار داد.

۲.۱. لزوم رعایت اصل تناسب

هنگامی که دولت ادعا می‌کند به خاطر حفظ امنیت، تمامیت ارضی کشور و یا صیانت از جان و مال مردم وضعیت اضطراری اعلام کرده است، باید توجه داشت که محدودیت‌های اعلامی باید با درجه وخامت اوضاع و حجم تهدیدها متناسب باشد. رعایت تناسب به این خاطر اهمیت دارد که اصل بر بهره‌مندی و اعمال آزادانه حقوق و آزادی‌های اساسی است و کسی که می‌خواهد این آزادی عمل را به خاطر وجود شرایط اضطراری محدود کند، تنها در حدودی می‌تواند عمل کند که ضرورت اقتضا دارد. بند ۱ ماده ۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی به این الزام توجه کرده و اعمال محدودیت‌ها را تنها به میزانی مجاز می‌داند که ضرورت ایجاد می‌کند. بند ۵۱ اصول سیراکوز نیز به لزوم تناسب میان اقدامات دولت و تهدیدهای موجود تأکید کرده است. هنگامی که انگلیس در سال ۲۰۰۱ به خاطر مقابله با آنچه تروریسم می‌نامید، محدودیت‌هایی را در خصوص اعمال ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب ۱۹۵۰ ناظر بر ممنوعیت بازداشت بدون محاکمه اعمال کرد، مجلس لردان این کشور در مقام قضاوت، با آنکه استدلال دولت مبنی بر وجود وضعیت استثنایی را به عنوان دلیل موجهه پذیرفت، اما با این حال، لرد بینگام تناسب میان بازداشت نامحدود اتباع خارجی و تهدیدهای ادعایی دولت را نپذیرفت.^۱ کمیسیون ونیز در موارد متعدد بر لزوم نظارت قضایی بر متناسب بودن تصمیمات و اقدامات دولت در وضعیت اضطرار با تهدیدهای موجود، تأکید کرده است. به عنوان مثال، در بند ۴۹ نظریه این

۱. ساپ، پیشین، ص ۱۲۴.

کمیسیون درباره چارچوب حقوقی محدودیت رفت‌وآمد^۱ که در جلسه ۱۰۷ این کمیسیون در تاریخ ۱۰ و ۱۱ ژوئن ۲۰۱۶ دربارهٔ اوضاع ترکیه صادر شد، به لزوم رعایت اصل تناسب تأکید شده است. لزوم رعایت اصل تناسب، به عنوان یکی از اصول بنیادین ناظر بر وضعیت اضطراری، از اصل ۷۹ قانون اساسی قابل استنباط است. در واقع، طبق این اصل، در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن، دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای اسلامی موقتاً محدودیت‌های ضروری را برقرار نماید. از آنجاکه در توصیف محدودیت‌هایی که دولت می‌تواند در شرایط اضطراری اعمال کند، از واژهٔ ضروری استفاده شده است، بنابراین، دولت باید بتواند تناسب میان تصمیمات و اقدامات خود با تهدید موجود را اثبات کند. البته همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، فرایند نظارت بر عملکرد دولت در این دوره چندان مشخص نیست و از آنجاکه اعلام شرایط اضطراری از آن نوع که در اصل ۷۹ قانون اساسی پیش‌بینی شده تاکنون سابقه نداشته است، نمی‌توان دربارهٔ رویکرد نظام قضایی و سایر نهادهای ناظر در این باره نظری اظهار کرد.

با توجه به اینکه در زمینهٔ مقابله با کرونا، به جای اصل ۷۹ قانون اساسی از اصل ۱۷۶ استفاده شد و این اصل دربارهٔ تناسب تصمیمات اتخاذ شده با حجم تهدیدهای موجود ساکت است، باید به اصول کلی و سایر قوانین مراجعه کرد. به‌ویژه، می‌توان با استفاده از قیاس اولویت چنین ادعا کرد که در شرایط اضطراری که اصل ۷۹ قانون اساسی به دولت اعمال محدودیت‌هایی را به صورت موقت اجازه داده، به لزوم ضروری و تبعاً متناسب بودن تصمیمات و اقدامات تأکید کرده است. در مواردی که سازوکار اصل ۷۹ به کار گرفته نشده است، در واقع می‌توان ادعا کرد که شرایط آن‌چنان اضطراری نیست و به طریق اولی اگر قرار است محدودیت‌هایی بر حقوق و آزادی‌های اساسی بار شود، این محدودیت‌ها باید با حدت و شدت تهدیدها متناسب باشد.

۲.۲. لزوم رعایت اصل عدم تبعیض

هنگامی که حیات نظام سیاسی یا امور مهم آن به مخاطره می‌افتد، حفظ نظام و امنیت آن در اولویت قرار می‌گیرد و به همین خاطر، یکسری محدودیت‌ها دربارهٔ حقوق و آزادی‌های اساسی

1. Venice Commission, **Opinion on the Legal Framework Governing Curfews**, 2016, available at: [https://www.venice.coe.int/webforms/documents/default.aspx?pdffile=CDL-AD\(2016\)010](https://www.venice.coe.int/webforms/documents/default.aspx?pdffile=CDL-AD(2016)010) (accessed 20 July 2020).

اعمال می‌شود. به‌عنوان مثال، منع رفت‌وآمد یا تعطیلی برخی از کسب‌وکارها و همچنین، محدود کردن گردش اطلاعات در شرایط اضطراری به احیای وضع سابق و مقابله به تهدیدها کمک می‌کند. یکی از مسائلی که در این میان رعایت آن از اهمیت بنیادین برخوردار است، توزیع برابر هزینه‌های مقابله با تهدیدها بین همه شهروندان و ساکنان قلمرو کشور یا مناطق درگیر است. در حقیقت، بدون رعایت برابری در توزیع هزینه‌ها، تبعیض ایجاد خواهد شد که در ذات خود مغایر با لزوم تحدید حقوق و آزادی همه برای مقابله با یک وضعیت فراگیر است. در همین راستا، بند ۱ ماده ۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی عدم تبعیض را یکی از شرایط لازم برای اعلام وضعیت اضطراری در نظر گرفته است.

منع تبعیض ناروا در اصول متعددی از قانون اساسی ایران مورد توجه و شناسایی قرار گرفته است. طبق اصل ۱۹، مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند، از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود. اصول دیگری از قانون اساسی نیز صریحاً یا تلویحاً به منع تبعیض اشاره کرده‌اند؛ مانند بندهای ۹ و ۱۴ اصل ۳، اصل ۲۸، اصل ۴۸، اصل ۱۰۱ و ذیل اصل ۱۰۷. با آنکه در خصوص لزوم رعایت برابری و عدم تبعیض در شرایط اضطراری حکم روشنی در اصل ۷۹ و نیز اصل ۱۷۶ قانون اساسی وجود ندارد، اما با توجه به روح کلی حاکم بر قانون اساسی که به نحوی در اصول پیش‌گفته نیز متجلی شده است و با امعان نظر به این واقعیت که بین رویکرد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اسناد بین‌المللی از نظر منع تبعیض ناروا مغایرتی وجود ندارد، باید منع تبعیض را در شرایط اضطراری به عنوان یکی از الزامات بنیادین در نظر گرفت.

البته باید توجه کرد که تبعیض و عدم تبعیض در یک پهنه و عرصه بسیار وسیع موضوعی و سرزمینی مطرح می‌شود؛ بدین معنا که در شرایط اضطراری ممکن است دولت در یک عرصه مرتکب تبعیض شود، ولی در عرصه‌های دیگر برابری را حفظ کند. در جریان مقابله با کووید-۱۹، اقدامات دولت ایران در خصوص ارائه اقلام بهداشتی به افغان‌های مقیم ایران به نحوی بود که مورد قدردانی دولت افغانستان واقع شد.^۱ ولی از طرف دیگر، توزیع اقلام بهداشتی میان برخی از

۱. برای دیدن خبر قدردانی وزارت خارجه این کشور از دولت ایران، نک.

نهادها همچون مجلس شورای اسلامی درست زمانی که بخشی از مردم به این اقدام دسترسی نداشتند، مورد اعتراض قرار گرفت.^۱

۲.۳. ممنوعیت تجاوز به حقوق و آزادی‌های مطلق

ظاهر این است که دولت‌ها در اعلام وضعیت اضطراری، به دنبال حفظ امنیت و موجودیت اجتماع هستند و به طور طبیعی، حقوق و آزادی‌های اشخاص در این وضعیت دچار محدودیت‌هایی می‌شود. در حقیقت، تزامنی که در برخی از وضعیت‌ها میان امنیت جامعه و آزادی اشخاص ایجاد می‌شود، در وضعیت‌های اضطراری به نفع امنیت حل‌وفصل می‌شود. اما در این میان، گاه ماهیت حقوق و آزادی‌های درگیر تزامنی به نحوی است که با لایه‌های بنیادی‌تری از امنیت در ارتباط است و نمی‌توان از آنها چشم‌پوشی کرد. حق حیات، ممنوعیت شکنجه و ممنوعیت بردگی یا ممنوعیت تعیین مجازات غیرقانونی از جمله مواردی‌اند که نمی‌توان به بهانه امنیت از آنها عدول کرد.

نفس تعیین حقوق و آزادی‌های مطلق و مصونیت آنها از هرگونه تجاوز، مبتنی بر فلسفه اخلاق کانت است که هر فرد انسانی را غایت و هدف در نظر می‌گیرد و نگرش ابزاری به انسان را رد می‌کند. غایت بودگی انسان^۲ مانع از این می‌شود که به خاطر حفظ حیات و امنیت عده‌ای هر چند زیاد، حیات و امنیت عده‌ای دیگر هر چند کم، فدا شود.^۳ از طرف دیگر، ماهیت برخی از حقوق و آزادی‌ها به نحوی است که قابل تحدید و تعلیق حتی برای یک‌بار نیستند. نمونه بارز آن، حق بر حیات است که حتی برای یک‌بار نیز قابل تحدید و تعلیق نیست. همچنین، برخی از تضمینات قضایی که در قوانین اساسی شناسایی شده‌اند، قابل تحدید و تعلیق نیستند. مانند

۱. نک. خبر و تحلیل مندرج در تارنمای خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران به تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۸ با عنوان «تبعیض در تست کرونا؛ مردم با مسئولان چه فرقی می‌کنند؟»

<https://plus.irna.ir/news/83692666/>

(تاریخ دسترسی ۱۳۹۹/۵/۲).

۲. برای دیدن تعریف و توجیه غایت بودگی، نک. راسخ، محمد، *درس گفتارهای فلسفه حق و فلسفه حقوق عمومی*، تهران: خانه اندیشمندان علوم انسانی، ۱۳۹۴، صص ۵۹-۵۶. هولمز، رابرت ال، *مبانی فلسفه اخلاق*، ترجمه مسعود علیا، تهران: ققنوس، ویراست سوم، ۱۳۹۴، صص ۲۵۶-۲۵۴.

Nyholm, Sven, "On Kant's Idea of Humanity as an End in Itself", *European Journal of Philosophy*, Vol. 24, no. 2, 2013, pp.358-374.

3. For more information about Kant's account see: Criddle and Fox-Decent, op.cit, pp.81-84.

ممنوعیت مجازات بدون محاکمه یا ممنوعیت مجازات غیرقانونی. در حقیقت، تحدید و تعلیق این حقوق به معنای سلب آنها است و نبود آنها حتی برای مدتی کوتاه می‌تواند پیامدهای سهمگینی برای جامعه بشری در پی داشته باشد و جلوگیری از بروز این پیامدها، از هر مصلحتی واجب‌تر است. اصل ۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در خصوص تزامم حقوق و آزادی‌های مشروع اشخاص با استقلال، وحدت و تمامیت ارضی کشور، به عدم امکان سلب این آزادی‌ها تصریح کرده است. طبق این اصل، «در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند».

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، قانون‌گذار اساسی با به‌کارگیری واژه سلب در اصل ۷۹ قانون اساسی، امکان تحدید موقت آزادی‌های عمومی را تلویحاً به رسمیت شناخته است. به بیان دیگر، با آنکه نمی‌توان به بهانه حفظ استقلال، وحدت و تمامیت ارضی کشور حقوق و آزادی‌های اساسی اشخاص را به طور کامل از بین برد یا سلب کرد، می‌توان محدودیت‌هایی را به شکل موقت بر اعمال آنها بار کرد. در حقیقت، با جمع میان دو اصل ۹ و ۷۹ قانون اساسی می‌توان به این نتیجه رسید که اولاً هیچ‌یک از حقوق و آزادی‌های شناخته شده در قانون اساسی (آزادی‌های مشروع) به طور کامل قابل سلب نیست، ثانیاً برخی از این حقوق و آزادی‌ها به طور موقت قابل تحدید است.

در کنار دو نتیجه فوق که از ظاهر دو اصل مزبور قابل استنباط است، باید به مورد سوم نیز اشاره کرد که از روح قانون اساسی قابل استفاده است و آن اینکه، برخی از حقوق و آزادی‌ها به طور مطلق نه قابل سلب و نه قابل تعلیق و تحدید می‌باشند. البته قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فهرستی از حقوق و آزادی‌های غیرقابل تعلیق به دست نمی‌دهد.^۱ برای شناسایی فهرستی از حق‌ها و آزادی‌های اساسی که نمی‌توان محدودیت‌های ضروری را آن‌گونه که در اصل ۷۹ قانون اساسی ذکر شده است، نسبت به آنها اعمال کرد، ناگزیر باید به تحلیل ارزش هر

۱. هریسی نژاد، کمال‌الدین و مائده سلیمانی، **تعلیق حقوق و آزادی‌ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در پرتو اسناد حقوق بشری**، حقوق اسلامی، سال ۱۳، ۱۳۹۵، شماره ۵۰، ص ۴۵.

یک از حقوق و آزادی‌هایی پرداخت که در فصل سوم قانون اساسی و سایر اصول آن مورد حمایت قانون‌گذار اساسی قرار گرفته است.

در همین راستا، می‌توان از مفهوم و فهرست حقوق غیرقابل تعلیق^۱ که در برخی اسناد بین‌المللی حقوق بشر به آنها اشاره شده است، استفاده کرد. بند ۲ ماده ۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ هرگونه انحراف از مفاد مواد ۶ (حق بر حیات)، ۷ (ممنوعیت آزار و شکنجه و رفتارهای ظالمانه و ترذیلی)، ۸ (ممنوعیت بردگی و بندگی)، ۱۱ (ممنوعیت حبس به خاطر عدم امکان اجرای تعهد قراردادی)، ۱۵ (حق بر قانونی بودن مجازات)، ۱۶ (حق بر شخصیت مستقل) و ۱۸ (آزادی فکر و وجدان و مذهب) را به بهانه شرایط اضطراری رد می‌کند. بند ۲ ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب ۱۹۵۰ نیز برخی از حقوق و آزادی‌ها را به واسطه ارزش مطلق که دارند، مصون از تعرض در شرایط اضطراری دانسته است. از نظر این بند، «هیچ نوع عدولی از ماده ۲ [حق حیات] به‌جز در مورد مرگ‌های ناشی از عملیات قانونی جنگی و همچنین مواد ۳ [منع شکنجه]، ۴ (پاراگراف اول) [منع بردگی و بندگی] و ماده ۷ [عدم تعیین مجازات غیرقانونی] کنوانسیون حاضر نباید صورت پذیرد». بند ۲ ماده ۲۷ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر نیز به صورت تقریباً مشابه، برخی از حقوق و آزادی‌ها را غیرقابل تحدید اعلام کرده است. طبق این بند، مفاد مواد ۳ (حق بر شخصیت مستقل)، ۴ (حق بر حیات)، ۵ (حق بر رفتار انسانی)، ۶ (منع بردگی)، ۹ (عدم عطف قوانین به ماسبق)، ۱۲ (آزادی وجدان و مذهب)، ۱۷ (حقوق خانواده)، ۱۸ (حق بر نام)، ۱۹ (حقوق کودکان)، ۲۰ (حق بر تابعیت)، ۲۳ (حق بر مشارکت در حکومت) و تضمینات قضایی ضروری برای حمایت از حقوق مزبور.

در جریان مقابله با بیماری کووید-۱۹ در ایران، قدر متیقن اینکه هیچ‌یک از حقوق و آزادی‌هایی که در اسناد ذکر شده جزء حقوق غیرقابل تعلیق شناخته شده‌اند، مورد تحدید و تعلیق واقع نشده است. ستاد ملی مقابله با کرونا در هیچ‌یک از مصوبات خود، محدودیتی درباره حقوق و آزادی‌هایی همچون حق بر حیات، ممنوعیت شکنجه و رفتارهای غیرانسانی، ممنوعیت بندگی و بردگی و سایر موارد ذکر شده اعمال نکرده است.

1. Non-derogable rights.

نتیجه‌گیری

بروز وضعیت‌های اضطراری در حیات سیاسی اجتناب‌ناپذیر است. هر چند جنگ عمده‌ترین و تاریخی‌ترین عاملی است که به بروز وضعیت‌های اضطراری منتج می‌شود، در کنار آن، عوامل دیگری را نیز می‌توان در نظر گرفت. اقدامات تروریستی از دیگر عوامل بارزی است که در سده‌های بیستم و بیست و یکم منتهی به اعلام وضعیت‌های اضطراری شده است. در کنار تروریسم که همچنان به عنوان یک تهدید جدی تلقی می‌شود، بروز و شیوع بیماری‌های همه‌گیر (ایپدمی) و دنیاگیر (پاندمی) مانند کووید-۱۹ را نیز می‌توان از جمله عوامل بسیار جدیدی دانست که مربوط به قرن بیست و یکم می‌باشد و به شکلی که اتفاق افتاده، کم‌سابقه و حتی بی‌سابقه است.

قوانین اساسی مختلف، راهکارهای متفاوتی را در راستای تمشیت وضعیت‌های اضطراری در پیش گرفته‌اند. حکومت نظامی، اعلام وضعیت هشدار و اعلام وضعیت اضطراری از جمله ابزارهای نظام‌های سیاسی برای مقابله با شرایط استثنایی است. وضعیت اضطراری یکی از متعارف‌ترین الگوها در این زمینه است که در تعداد قابل توجهی از قوانین اساسی به آن توجه شده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصل ۷۹، با پذیرش امکان بروز حالت جنگ و سایر شرایط اضطراری نظیر جنگ به دولت اجازه داده است با تأیید مجلس شورای اسلامی به اعمال محدودیت‌های ضروری به صورت موقت بپردازد.

اما به کارگیری این ابزار، تابع برخی الزامات بنیادین شکلی و ماهوی است که بدون رعایت آنها، تحدید حقوق و آزادی‌های اساسی مردم ممکن است به تهدید و تجاوز تبدیل شود. لزوم اساسی‌سازی اعلام و مدیریت وضعیت اضطراری، لزوم مداخله و مشارکت پارلمان، لزوم موقت بودن وضعیت اضطراری و ضرورت نظارت قضایی بر عملکرد دولت در دوره اضطرار، بایسته‌های شکلی و ساختاری است که رعایت آنها لازم است. از طرف دیگر، لزوم رعایت اصل تناسب، منع رفتارهای تبعیض‌آمیز و لزوم رعایت حقوق و آزادی‌های مطلق و غیرقابل تعلیق جزء بایسته‌های ماهوی هستند که عدم رعایت آنها به تهدید نظام حق‌ها و آزادی‌ها منجر می‌شود.

در جریان مقابله با بیماری کووید-۱۹ در ایران، بدون اینکه راهکار مقرر در اصل ۷۹ قانون اساسی مورد استناد واقع شود، شورای عالی امنیت ملی مسئول مقابله با تهدیدهای ناشی از این بیماری شده و نهادی به نام ستاد ملی مقابله با کرونا تأسیس شد. تصمیمات و اقداماتی که توسط شورای عالی امنیت ملی و تبعاً ستاد ملی اتخاذ می‌شود، در پرتو اصل ۱۷۶ قانون اساسی قابلیت

اجرائی پیدا می‌کند. اصل ۱۷۶ قانون اساسی که در جریان بازنگری به قانون اساسی الحاق شد، فاقد شرایطی است که در اصل ۷۹ برای مدیریت شرایط اضطراری در نظر گرفته شده است؛ از جمله تأیید مجلس شورای اسلامی، لزوم موقت بودن وضعیت، امکان نظارت بر عملکرد دولت و نیز رعایت اصل تناسب.

با آنکه برخی از الزامات مندرج در اصل ۷۹ قانون اساسی به نحوی قابل تسری به عملکرد شورای عالی امنیت ملی و نیز ستاد ملی مقابله با کروناست، اما نمی‌توان انکار کرد که عدم شناسایی صریح این الزامات در اصل ۱۷۶ قانون اساسی می‌تواند مبنای اعمال این الزامات را سست کند. به همین خاطر، باید اشاره کرد که عدم به‌کارگیری راهکار موجود در اصل ۷۹ قانون اساسی و استفاده از ظرفیت اصل ۱۷۶ قانون اساسی باعث شده است که تضمینات مندرج در اصل ۷۹ کارایی لازم را به منظور حفظ و حمایت از حقوق و آزادی‌های اساسی نداشته باشد. البته نباید از نظر دور داشت که عملکرد مطلوب ستاد ملی مقابله با کرونا تاکنون نگرانی خاصی در این زمینه تولید نکرده است، ولی باز نمی‌توان نگرانی‌های بالقوه موجود را به شرحی که بیان شد از نظر دور داشت.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. آگامبن، جورجو، *وضعیت استثنایی*، ترجمه پویا ایمانی، تهران: نشر نی، ۱۳۹۵.
۲. راسخ، محمد، *درس گفتارهای فلسفه حق و فلسفه حقوق عمومی*، تهران: خانه اندیشمندان علوم انسانی، ۱۳۹۴.
۳. هاشمی، سید محمد، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، جلد ۲، تهران: نشر دادگستر، چاپ پنجم، ۱۳۸۰.
۴. هولمز، رابرت ال. *مبانی فلسفه اخلاق*، ترجمه مسعود علیا، تهران: ققنوس، ویراست سوم، ۱۳۹۴.

مقاله

۵. امیرارجمند، اردشیر، *وضعیت اضطراری*، حقوق عمومی، ۱۳۸۵، شماره ۱.
۶. حسینی بهشتی، سیدعلیرضا؛ ملکی، ساناز و مجید اکبری، *منطق استثنا در فلسفه سیاسی کارل اشمیت*، جستارهای فلسفی، ۱۳۹۳، شماره ۲۶.
۷. ساپ، جان دبلیو، *حقوق بشر و وضعیت اضطراری*، ترجمه جواد کارگزاری، حقوق عمومی، ۱۳۸۸، شماره ۵.
۸. صائب نیا، سمیه و فرشته کریمی، *بررسی تأثیر بیماری کرونا (کووید-۱۹) بر عملکرد کسب‌وکار؛ مورد مطالعه: کسب‌وکارهای کوچک و متوسط استان اردبیل*، چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۳، ۱۳۹۹، شماره ۲۴.
۹. قربان‌نیا، ناصر، *تعلیق اجرای حقوق بشر در شرایط اضطراری*، فقه و حقوق، سال ۳، ۱۳۸۶، شماره ۱۲.
۱۰. کیان پور، امیر، *وقتی قاعده وضعیت استثنایی است*، گفتگو، ۱۳۸۸، شماره ۵۴.
۱۱. هریسی نژاد، کمال‌الدین و مائده سلیمانی، *تعلیق حقوق و آزادی‌ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در پرتو اسناد حقوق بشری*، حقوق اسلامی، سال ۱۳، ۱۳۹۵، شماره ۵۰.

ب) منابع انگلیسی**Books**

12. Chowdhury, Subrata Roy, *Rule of Law in a State of Emergency: The Paris Minimum Standards of Human Rights Norms in a State of Emergency*, Palgrave Macmillan, 1989.
13. Dyzenhaus, David, *The Constitution of Law, Legality in a Time of Emergency*, Cambridge: Cambridge University Press, 2006.
14. Rossiter, Clinton, *Constitutional Dictatorship*, Routledge, 2002.

Articles

15. Criddle, Evan J. and Fox-Decent, Evan, "Human Rights, Emergencies, and the Rule of Law", *Human Rights Quarterly*, Vol.34, 2010.
16. Ferejohn, John and Pasquale Pasquino, "The Law of the Exception: A Typology of Emergency Powers", *I.CON*, Vol. 2, No. 2, 2004.
17. Gross, Oren, "Extra-legality and the Ethic of Political Responsibility", in *Emergencies and the Limits of Legality*, edited by Victor Ramraj, Cambridge: Cambridge University Press, 2008.
18. Lillich, Richard B. "The Paris Minimum Standards of Human Rights Norms in a State of Emergency", *American Journal of International Law*, Vol. 79, 1985.
19. Malki, Mhamed, "From the Law of the Ruler to the Rule of Law", in: *Arab Human Development in the Twenty-first Century; The Primacy of Empowerment*, edited by Bahgat Korany, Cairo: The American University in Cairo Press, 2014.
20. Reza, Sadiq, "Endless Emergency: The Case of Egypt", *New Criminal Law Review*, Vol. 10, Issue 4, 2007.

Documents & Reports

21. LOI n° 2020-290 du 23 mars 2020 d'urgence pour faire face à l'épidémie de covid-19. Disponible sur:
22. <https://www.legifrance.gouv.fr/affichTexte.do?cidTexte=JORFTEXT000041746313&dateTexte=&categorieLien=id> (consulté le 20 Juillet 2020).
23. COVID-19 Response (Urgent Management Measures) Legislation Act, 25 March 2020. Available at:
24. <http://www.legislation.govt.nz/bill/government/2020/0239/latest/LMS326982.html> (accessed 20 July 2020).

25. MEDIDA PROVISÓRIA N° 959, DE 29 DE ABRIL DE 2020. disponible en: <http://www.in.gov.br/web/dou/-/medida-provisoria-n-959-de-29-de-abril-de-2020-254499639> (citado en 20 Julio 2020).
26. Siracusa Principles on Limitation and Derogation Principles in the International Covenant on Civil and Political Rights, Human Rights Quarterly, Vol. 7, No. 1, 1985.
27. Commission de Venise, **Avis sur la protection des droits de l'homme dans les situations d'urgence**, 2006, Disponible sur:
28. [https://www.venice.coe.int/webforms/documents/default.aspx?pdffile=CDL-AD\(2006\)015](https://www.venice.coe.int/webforms/documents/default.aspx?pdffile=CDL-AD(2006)015) (consulté le 20 Juillet 2020).
29. Venice Commission, **Opinion on the Legal Framework Governing Curfews**, 2016, available at:
30. [https://www.venice.coe.int/webforms/documents/default.aspx?pdffile=CDL-AD\(2016\)010](https://www.venice.coe.int/webforms/documents/default.aspx?pdffile=CDL-AD(2016)010) (accessed 20 July 2020).
31. Nyholm, Sven, **On Kant's Idea of Humanity as an End in Itself**, European Journal of Philosophy, Vol. 24, no. 2, 2013.
32. Public Law 94-412 National Emergencies Act, 14 September 1976. Available at: <https://www.govinfo.gov/content/pkg/STATUTE-90/pdf/STATUTE-90-Pg1255.pdf> (accessed 20 July 2020).
33. Coronavirus Act, 25 March 2020. Available at:
34. <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/2020/7/contents/enacted> (accessed 20 July 2020).
35. COVID-19 Emergency Response Act, 25 March 2020. Available at: https://laws-lois.justice.gc.ca/eng/AnnualStatutes/2020_5/page-1.html (accessed 20 July 2020).

